
مجموعه مباحث دفاع از پیامبر اعظم
تروریسم و خشونت‌طلبی
علی‌اصغر رضوانی


بسم الله الرحمن الرحیم

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور : پیامبراعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت طلبی تالیف علی اصغر رضوانی

مشخصات نشر : قم : مسجدمقدس جمکران ، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۶۲ص.

فروست : سلسله مباحث دفاع ازپیامبر اعظم صل الله علیه و آله.

شابک : ۲۵۰۰ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۰۲-۸

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Aliasghar Rezvani. Terrorism violence

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : محمد(ص ، پیامبراسلام ۵۳ قبل ازهجرت - ۱۱ق -- نظریه درباره خشونت

شناسه افزوده : مسجدجمکران (قم .

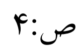
رده بندی کنگره : BP۲۴/۹/خ۵ر۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

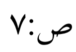
شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۱۱۴۸۸

ص:۱

اشاره






ص:٧

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که پیروان ادیان و فِرَق، در راستای اهداف خود دست به تبلیغ گسترده ای زده و با تمام امکانات دنبال اهداف باطل خود می باشند، بر پیروان راستین و حقیقی دین اسلام و مذهب حقه جعفری است که در این شلوغ بازار جهانی، اسلام ناب محمّدی صلی الله علیه وآله را بر مردم جهان عرضه نمایند.

لذا برآن شدیم تا سلسله مباحث دفاع از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله را به صورت مختصر خدمت مشتاقان حقّ و حقیقت عرضه نماییم، باشد که مورد رضای حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

«ترور» واژه ای است هراس انگیز و نفرت زا، که با شـنیدن آن فهرستی بلنـد از انواع مختلف خشونت ها، قتل ها و جنایت ها به ذهن انسان تداعی می کند.

ترور به معنـای مصـطلح خود دیر بـازی نیست که در قـاموس لغـات بشـری راه یـافته است، امـا در همین مـدت کوتاه آن چنان وجدان بشری را جریحه دار کرده که همه انسان ها در محکوم کردن آن هیچ تردیدی را به خود راه نمی دهند. جا دارد حکم این عمل را از دیدگاه اسلام مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

بررسی مفهوم ترور

«ترور» در لغت به معنای ترساندن، و تروریسم به معنای ارعاب و تهدید، ایجاد ترس و وحشت میان مردم و تروریست به معنای طرفدار ارعاب

ص:۱۳

و تهدید، طرفدار حکومت زور معنا شده است.(۱)

و امّا در اصطلاح تا کنون تعریف جامعی از تروریسم نشده است. ولی در عین حال به برخی از تعاریف موجود در این زمینه اشاره می کنیم.

۱ - در قطعنامه ۱۹۸۴ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل درباره تعریف تروریسم چنین آمده است: «فعالیّت های مجرمانه و خشونت آمیزی که گروه های سازمان یافته برای ایجاد ارعاب و وحشت انجام می دهند تا به این ترتیب اهداف به اصطلاح سیاسی خود را میسّر سازند».(۲)

۲ - محمّد حسین شاملو احمدی در این باره می نویسد: «تروریسم، مکتب خشونت و آدم کشی، به اعمال جنایتی اطلاق می شود که با هدف مقابله با کشورها و ایجاد رعب و وحشت در بین افراد یا گروه های معیّن یا عامه مردم، توسط گروه های تروریستی ارتکاب می شود».(۳)

۳ - «ولف» فیلسوف آمریکایی می نویسد: «تروریسم عبارت است از به کار بردن غیرمشروع زور و خشونت برای رسیدن به اهداف خاص. لذا استفاده مشروع از قدرت و زور داخل در مفهوم ترور نیست».(۴)

۱- ۱. فرهنگ کامل انگلیسی، فارسی، دکتر عباس آریان پور، ج ۵، ص ۵۷۰۹؛ فرهنگ علوم سیاسی، شاملو احمدی، ص ۵۶۳.

۲- ۲. بزهکاری بین المللی، آندرو بوسا، ترجمه نگار رخشایی، ص ۲۰.

۳- ۳. فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، ج ۱، ص ۱۳۸۰.

۴- ۴. الإرهاب، مصطفی مصباح، ص ۴۴.

۴ – در فرهنگ علوم سیاسی، ترور چنین تعریف شده است: «ترور به معنای وحشت و ترس زیاد است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق العاده اطلاق می شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خون ریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت به منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است».(۱)

اولین ترور در اسلام

در مورد این که اولین تروری که در اسلام اتفاق افتاد، نسبت به چه کسی بوده، اختلاف است. برخی اولین فردی که مورد ترور واقع شده را عمر بن خطاب می دانند، ولی حقّ این است که اولین شخص ترور شده سعد بن عباده می باشد. او کاندید از طرف انصار برای مقام خلافتِ بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله بود، ولی با مخالفت عدّه ای و در رأس آن ها عمر بن خطاب به مقام خلافت نرسید.

طبری و دیگران روایت کرده اند که سعد بن عباده را تا چند روزی رها کردند سپس کسی را به دنبال او فرستادند که باید به مسجد آمده و بیعت کنی؛ زیرا مردم و قوم تو بیعت نموده اند.

او در جواب گفت: «آگاه باشید! به خدا سوگند بیعت نمی کنم تا با شما به آنچه از کمان دارم بجنگم و سر نیزه خود را به خون شما سیراب نمایم و با

۱– ۵. فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی، ص ۵۶۳.

اهل بیت خود و هر آن که از قومم در طاعت من می باشند، با شما به قتال پردازم. به خدا سوگند! اگر جن و انس با هم جمع شوند، من با شما بیعت نخواهم کرد تا بر خدای خود وارد شوم و بدانم که حسابم چیست.»

چون خبر به ابوبکر رسید، عمر به او گفت: سعد را رها نکن تا بیعت کند.

بشیر بن سعد به ابوبکر گفت: او لجاجت کرده و امتناع نموده است. او با شما بیعت نخواهد کرد تا کشته شود، و کشته نمی شود تا با او فرزند و اهل بیت و طایفه ای از عشیره اش کشته شوند، لذا چاره ای نیست جز آن که او را رها کنید و این کار به شما ضرری نمی رساند؛ زیرا او یک نفر است. او را به مشورت بشیر بن سعد رها کردند، ولی سعد بن عباده در نمازها و جماعت ها و حج آنان شرکت نمی کرد و این گونه بود تا ابوبکر از دنیا رفت ... (۱)

بلاذری می نویسد: سعد بن عباده با ابوبکر بیعت نکرد و به شام رفت. عمر کسی را به سوی او فرستاد که هر طور شده او را به بیعت دعوت کند و در صورت امتناع با استعانت از خدا کار او را تمام نماید. آن شخص به شام آمد و سعد را در بستانی در حلب مشاهده کرد. ابتدا او را دعوت به بیعت نمود. سعد گفت: من هرگز با شخص قرشی بیعت نخواهم کرد. آن شخص گفت: تو را خواهم کشت. سعد گفت: گرچه مرا به قتل رسانی. او گفت: آیا

۱- ۶. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۹؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۲۶؛ سیره حلبی، ج ۴، ص ۳۹۷؛ الریاض النضره، ج ۱، ص ۱۶۸.

از آنچه امّت در آن وارد شده خارج می شوی؟ سعد گفت: از بیعت آری، من خارج می شوم. در آن هنگام بود که آن شخص تیری به سعد زده و او را به قتل رساند.(۱)

آری، این اولین تروری بود که در اسلام اتفاق افتاد.

حکم ترور از دیدگاه شرع

اقدامات تروریستی بر ضدّ عموم مردم؛ اعم از افراد یا گروه و سازمانی که با اهداف سیاسی به طور مستقیم، جان، مال، ناموس و آبروی مردم بی گناه و زنان و کودکان و ... را مورد حمله قرار می دهد، با هر هدفی که سازمان دهی شود، از نظر وجدان بشری محکوم است ومصداق تروریسم محسوب می شود. در اسلام حتی در دفاع مشروع،کشتن افراد بی گناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان، کودکان، تخریب جنگل ها، درختان، آلوده کردن آب ها، تعرّض به ناموس مردم و پرده دری مجاز شمرده نشده است. در کتاب های حدیثی و تاریخی به ممنوع بودن این گونه اقدامات غیرانسانی حتی در دفاع های مشروع تصریح شده است. اینک به نمونه هایی در این مورد اشاره می کنیم:

۱ - در روایات فریقین شیعه و سنی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که

۱- ۷. انساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۹؛ عقد الفرید، ج ۳، ص ۶۴ - ۶۵.

فرمود: «الإیمان قیّد الفتک»؛(۱) «ایمان از ترور جلوگیری کرده است.»

۲ – از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله هنگامی که می خواست سپاهی را برای جنگ اعزام نماید آن ها را فرا خوانده، در برابرشان می نشست و می فرمود: «سیروا بسم اللّه و باللّه و فی سبیل اللّه، لاتغلوا و لاتمثّلوا و لا تغدروا و لا تقتلوا شیخاً فانیاً و لاصبیّاً و لا امرأه و لا تقطعوا شجراً الاّ أن تضطروا الیها»؛(۲) «با نام خدا و برای خدا و در راه خدا سفر را آغاز کنید، نیرنگ و حقّه نزنید. کشته ها را مثله نکنید. سالخوردگان، کودکان و زنان را نکشید. و درختی را نبرید مگر این که مجبور شوید.»

۳ – و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نهی رسول اللّه ان یلقی السمّ فی بلاد المشرکین»؛(۳) «رسول خداصلی الله علیه وآله از ریختن سم در سرزمین مشرکین نهی کرده است.»

۴ – حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به نیروهای خویش چنین سفارش کرد: «هرگز با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنان آغازگر جنگ باشند. فراریان را نکشید و بر زخمیان نتازید. هتک حرمت و عورت نکنید. از مثله کردن بپرهیزید. وارد خانه های آنان مشوید. بر زنان حمله نبرید. و به کسی دشنام ندهید».(۴)

۱– ۸. نهایه ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲– ۹. فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷.

۳– ۱۰. فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷.

۴– ۱۱. تذکره الخواص، ص ۹۱.

۵ – مورخان نقل کرده انـد که چون مسـلم بن عقیل خبردار شـد که ابن زیاد در خطبه ای که ایراد کرده، مردم را از متابعت او برحـذر داشـته است، لـذا ترسـید که او را دسـتگیر کرده و به قتل برسانند. از این رو از خانه مختار بعد از مغرب خارج شد و به خانه هانی بن عروه مذحجی پناه برد. او در تشیّع مردی قوی و متعصّب بود و از اشـراف کوفه و قاریان آن دیار و شـیخ عشیره مراد و زعیـم آن بـه حسـاب می آمـد. او چهـار هزار زره پـوش و هشت هزار پیـاده نظـام داشت و هر گـاه هم پیمانـان او را نیز ضمیمه آنـان کنیم به حـدود سـی هزار نفر جنگجو می رسـد که رئیس آنان هانی بن عروه بود. او از خواصّ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به حساب می آمد که در هر سه جنگ حضرت شرکت کرده بود. و نیز عصر پیامبرصلی الله علیه وآله را درک کرده و به شرف صحبت و همنشینی با آن حضرت نایل گشته بود.

مسـلم بن عقیـل در خـانه هـانی پنـاه گرفت. از طرف دیگر شـریک بن عبـداللّه اعـور حـارثی نیز بر هـانی وارد شـده بود. او از بزرگان شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بود. مردی جلیل القدر در بین اصحاب به شمار می آمد که در صفین حضور داشـته و به همراه عمار بن یاسـر می جنگید. او با هانی بن عروه رفاقت خاصی داشت. در منزل هانی مرض سختی بر او عارض شـد. ابن زیـاد به عیـادت او آمـد قبل از آمـدن ابن زیاد شـریک بن عبـداللّه اعور به مسـلم عرض کرد: هـدف تو و شـیعیان تو هلاکت ابن زیاد است، در اتاق خزانه مخفی شو و هر گاه از آمدن او اطمینان حاصل کردی

از اتاق خارج شو و او را به قتل برسان و من سلامت تو را ضمانت می کنم.

در این هنگام که آنان مشغول صحبت بودنـد، گفته شـد که امیر بر در خانه است. مسلم وارد خزانه شـد و بعـد از چند لحظه عبیداللّٰه بن زیاد وارد بر شریک شد، ولی مسلم از خزینه بیرون نیامد. چون شریک مشاهده کرد که مسلم دیر کرده به عنوان علامت دادن به او چند بار عمامه خود را از سر برداشته و بر زمین گذارد. و نیز با قرائت اشعاری او را به خروج از خزانه و حمله به ابن زیاد تحریک و تحریص نمود. مکرّر اشعار را قرائت می کرد و چشمش را نیز به خزانه دوخته بود. آن گاه با صدای بلند که مسلم بشنود، گفت: او را سیراب کن گر چه مرگ من در آن باشد. در این هنگام عبیداللّٰه به هانی التفات کرد و گفت: پسر عموی تو در مرضش هذیان می گوید. هانی گفت: شریک از زمانی که مریض شده هذیان می گوید، خودش نمی داند چه می گوید.

ابن زیاد از مجلس خارج شد و مسلم متعرّض قتل او نشد. در این جا سؤالی که مطرح است این که چرا حضرت مسلم به قرار خود عمل نکرد و ام الفساد ابن زیاد را که در قتل امام حسین علیه السلام دخالت داشت به قتل نرسانید؟ و به تعبیر دیگر چرا قصاص قبل از وقوع جنایت نکرد؟

در مورد سؤال مورد نظر پاسخ هایی داده شده که به آن ها اشاره می کنیم:

اولاً: از آنجا که پیامبرصلی الله علیه وآله از حیله و مکر نهی کرده، لذا حضرت مسلم از

این طریق برای مبارزه با ابن زیاد استفاده نکرد. در حدیثی حضرت صادق علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «انّ الاسلام قیّد الفتک»؛[(۱)] «همانا اسلام مانع حیله و مکر بوده و آن را غل کرده است.»

ثانیاً: این کار با سیره و روش مسلم سازگاری ندارد؛ زیرا او مردی باورع و باتقوا است و در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام تربیت شده است. وظیفه مسلم که از طرف امام حسین علیه السلام نسبت به آن مسؤلیت دارد این است که از مردم برای حضرت بیعت بگیرد و از حوادث کوفه اطلاع یافته و امام را از آن باخبر سازد. و لذا اگر دست به قتل ابن زیاد می زد از حیطه وظایف خود خارج می شد.

ثالثاً: حضرت مسلم ملاحظه می کرد که وظیفه اش بیداری مردم است، اگر بدون بیداری امّت، ابن زیاد و امثال او را به قتل رساند همین مردم دوباره شخصی دیگر مثل او یا از او بدتر را بر سر کار می آورند. مردم خود باید آگاه شوند و از فساد خلیفه مطّلع گردند. و این هدف با ترور یک فرد حاصل نخواهد شد. و لذا در هیچ نصّ تاریخی ذکر نشده که حضرت مسلم طرح شریک را پذیرفته باشد. چه بسا مسلم در صدد فکر کردن درباره طرح او بوده، ولی قصد قطعی برای اجرای آن نداشته است.

رابعاً: با نظر و تأمل در قضیه پی می بریم که در حقیقت، گویا هانی بن عروه به ابن زیاد پناه و امان ضمنی داده بود؛ زیرا ابن زیاد به او خبر داد که می خواهد به عیادت شریک بیاید و او نیز ابن زیاد را اجازه داد و این خود

۱- ۱۲. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۴؛ کافی، ج ۷، ص ۳۷۵.

یک نوع امان لفظی و قولی به ابن زیاد از جانب هانی به حساب می آید. و در این گونه موارد، اسلام انسان را مقیّد ساخته تا کسی را که دیگری امان داده، به قتل نرساند، گرچه شخصی فاجر و فاسق و امّ الفساد باشد. خصوصاً آن که این شخص در خانه دیگری است و همسر او به این عمل رضایت نداده بلکه از او تقاضای صرف نظر از کشتن او را کرده و بر این امر اصرار می ورزد که در خانه او این قتل انجام نگیرد.

۶ - کشّی در ترجمه حذیفه بن منصور به سندش از عبدالرحمن بن حجاج نقل کرده که گفت: ابوالعباس از فضل بقباق خواست تا برای حریز بن عبداللّه سجستانی از امام صادق علیه السلام اذن بگیرد تا بر حضرتش وارد شود، حضرت به او اذن ورود نداد. دوباره خواست تا از حضرت برای او اذن بگیرد ولی به او اذن نداد. فضل بقباق به حضرت عرض کرد: چه چیزی است برای کسی که به درجه عقوبت غلامش برسد؟ حضرت فرمود: این قدر و اندازه گناهش می باشد. فضل عرض کرد: به خدا سوگند شما بیش از آن کاری که حریز انجام داده او را عقوبت کردید. حضرت فرمود: «ویحک انّی فعلت ذلک؟ انّ حریزاً جرّد السیف»؛(1) «وای بر تو، من این چنین کرده ام؟ همانا حریز کسی است که شمشیر کشیده است.»

نجاشی در ترجمه حریز بن عبداللّه سجستانی می گوید: «او از اهالی کوفه بود که بسیار سفر به سجستان به جهت تجارت می کرد و لذا

۱- ۱۳. معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۴۲و۲۴۳.

سجستانی معروف شد ... او از جمله کسانی بود که در سجستان شمشیر کشید و خوارج را به قتل رساند و این کار در زمان حیات ابی عبداللّه (امام صادق علیه السلام) بود. و روایت شده که حضرت به او بی اعتنایی کرده و او را از خودش دور کرد.

خوارج گرچه کسانی بودند که استحقاق قتل را داشته و لذا حضرت علی علیه السلام تعداد بسیاری از آن ها را کشت، ولی از آنجا که حریز آن ها را ترور می کرد لذا حضرت به جهت تأدیب، او را به نزد خود راه نداد. و چون حریز این حرکت را از امام دید، از کرده خود پشیمان شد.

۷ - ابن سعد در کتاب «الطبقات الکبری» درباره کیفیت اسلام آوردن مغیره بن شعبه از قول او می نویسد: «ما قومی از عرب بودیم که به دین خود پای بند بوده و خادم بت (لات) بودیم. با خود گفتم که اگر قوم ما اسلام آورد من از آن ها پیروی نکنم. پس جماعتی از بنی مالک همراه با هدایایی قصد وارد شدن بر مُقَوْقِس را داشتند. من قصد کردم که با آن ها از شهر خود خارج شوم. با عمویم عروه بن مسعود که مشورت کردم او مرا از این کار نهی نمود و گفت: از فرزندان پدرت کسی همراه تو نیست. من اصرار بر خارج شدن داشتم و لذا همراه با آنان به تنهایی از شهر خارج شده و به اسکندریه وارد شدیم. به نزد مقوقس رفتم، وقتی مرا دید نشناخت و لذا از من سؤال کرد و بعد از شناسایی از ما پذیرایی نمود و سپس دستور داد تا بر او وارد شویم. ابتدا به سرپرست بنی مالک که من همراه او آمده بودم نظر

افکنـد و او را در کنار خود جای داد، و از او سؤال کرد: آیا همه شـما از بنی مالک هستید؟ او گفت: آری، به جز یک نفر که از هم پیمانـان مـا است، و مرا به او نشـان داد. در آن هنگام مشاهـده کردم که من خوارترین افراد به نزد اویم. او دسـتور داد تا هـدایایی را به نزد آن ها گذاشـتند و برخی را بر برخی دیگر برتری داد، ولی در حقّ من کوتاهی کرد و تنها هدیه کمی به من داد که قابل ذکر نبود. ما همگی از نزد پادشاه بیرون آمدیم. بنی مالک با آن اموال مشـغول خریدن اجناس برای اهل بیت خود برآمدنـد و همگی از این امر خوشـحال بودنـد، ولی من قصـد کشـتن آن هـا را کردم ... چون به «بُساق» رسـیدیم، خودم را به بیماری زدم و سر خود را پوشاندم. آنان به من گفتند: تو را چه شده است؟ گفتم: سرم درد می کند. لذا آن ها مرا رها کرده و مشـغول شـراب خوری شدند. من به آن ها گفتم: گرچه سـرم درد می کند، ولی می نشینم و شما را از شراب سیراب می کنم. آنان پذیرفتند. من هم شراب پیاپی به آن ها دادم تا آن که مست لا یعقل به خواب رفتند، من هم حمله برده و همه آن ها را به قتل رساندم و سـپس تمام هدایای شان را به غارت بردم. آن گاه مستقیماً با لباس سفر وارد مدینه شده و خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله رسـیدم. مشاهده کردم که در مسجد با اصحاب خود نشسته اند. بر آن حضرت به تهیّت اسلام، سلام دادم. ابوبکر بن ابی قحـافه به من نظر کرد و او مرا می شـناخت، گفت: تو فرزنـد برادر عروه هستی؟ گفتم: آری، آمـده ام تا شـهادتین بگویم. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: حمد خدایی را سزاست که

تو را به اسلام دعوت کرد. ابوبکر گفت: آیا از مصر آمده ای؟ گفتم: آری. گفت: مالکیون که با تو بودند، چه کردند؟ گفتم: بین من و آن ها از آن کارهایی که بین عرب اتفاق می افتد، انجام شد، در حالی که ما بر دین شرک بودیم و من همه آنان را به قتل رساندم و اموالشان را به غارت برده و به نزد رسول خداصلی الله علیه وآله آوردم تا آن ها را تخمیس کرده، یا نظر خود را درباره آن ها بگوید؛ زیرا این ها غنایمی از مشرکین است و من هم مسلمان شده ام و به محمّدصلی الله علیه وآله ایمان آورده ام.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: اسلام تو را قبول کردم، ولی چیزی از اموال آن ها را بر نمی دارم و تخمیس نیز نمی کنم؛ زیرا این کار حیله است و در حیله خیری نیست ... (۱)

بررسی آیه ارهاب

برخی به آیه ارهاب تمسّک کرده و حکم به جواز ترور دشمنان اسلام داده اند تا در آن ها ایجاد خوف و وحشت نموده، دست از دشمنی با اسلام و مسلمین بردارند.

خداوند متعال می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُم مَا اسْتَطَعْتُم مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ شَيْ ءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ

ص:۲۵

۱- ۱۴. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۴۶۱ - ۴۶۲.

وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛(۱) «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن ها (دشمنان) آماده سازید و (همچنین) اسب های ورزیده، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از این ها را، که شما نمی شناسید و خدا آن ها را می شناسد. و هرچه در راه خدا انفاق کنید به طور کامل به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نخواهد شد.»

در توجیه آیه فوق می گوییم: آیه امر به آماده کردن جنگ جویان فقیر از سوی ثروتمندان دارد؛ زیرا هنگامی که دشمنان مشاهده کنند مسلمانان از لحاظ جنگی و لجستیکی در آمادگی کامل به سر می برند هیچ گاه قصد تعرض به مسلمانان نمی کنند.

فخر رازی در تفسیر آیه فوق می گوید: «هنگامی که کافران بدانند، مسلمانان آماده جهاد و مستعدّ بر آنند و تمام انواع اسلحه و ادوات جنگی را آماده کرده اند از آنان می ترسند. و این خوف مفید اموری چند است:

۱ - هرگز به فکر اشغال بلاد اسلامی نمی افتند.

۲ - چون ترسشان شدید شود چه بسا از ناحیه خود به جزیه تن در دهند.

۳ - چه بسا این خوف سبب پذیرش اسلام آن ها شود.

۴ - به فکر کمک به دیگر کفار نمی افتند.

۵ - این سبب می شود که در بلاد اسلامی ملاحظاتی داشته باشند.

۱- ۱۵. سوره انفال، آیه ۶۰.

اقدام به جهت دفاع از جان

گرچه اطلاق برخی از روایات دلالت دارد بر این که نباید متعرّض زنان و کودکان شد ولی این نکته قابل توجه است که اطلاق روایات مربوط به شرایط عادی و عدم اضطرار است وگرنه در صورتی که دفاع و دفع دشمن از تعرّض به اسلام و مسلمین، بر این امر توقف داشته باشد، این کار جایز است.

لذا در روایت حفص بن غیاث آمده است که او گفت: از امام صادق علیه السلام در مورد شهری از شهرهای کفار جنگی پرسیدم: آیا می شود آب را بر روی آن ها رها کرد؟ یا آن را به آتش کشید؟ و یا با منجنیق آن ها را در هم کوبید در حالی که در میان آنان زنان و کودکان و سالخوردگان و اسیران مسلمان و بازرگانان وجود دارند؟ حضرت فرمود: این اقدامات انجام می گیرد و به خاطر آن ها از این کارها اجتناب نمی شود ... (۱)

توجیه برخی از ترورها

در تاریخ صدر اسلام ترورهایی انجام گرفته است که احتیاج به بررسی دقیق دارد اینک به این موارد اشاره می کنیم:

۱ – ابو عفك؛

رسول خداصلی الله علیه وآله با یهود قرارداد ترک مخاصمه و عدم تعرّض به یکدیگر

۱- ۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب جهاد العدوّ، ح ۱.

بسته بود، ولی یهود قبل از جنگ بدر بر ضدّ رسول خداصلی الله علیه وآله و مسلمانان توطئه کرده و متعرض انواع اذیت ها بر آنـان می شدنـد. «ابو عفک» یهودی از جمله کسانی است که با اشـعار خود مردم را بر ضـدّ رسول خداصـلی الله علیه وآله می شوراند. سالم بن عمیر نذر کرد که او را به قتل رسانده یا خودش بر سر این کار بمیرد، لذا رفت و او را به قتل رسانید.(۱)

مشخص است که این قتل از جهاتی قابل توجیه است:

اوّلاً: این قتل و ترور از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله یا به امر او نبوده است.

ثانیاً: این عمل بعد از نقض عهد و پیمان از ناحیه یهود انجام گرفته است؛ زیرا همان گونه که گفته شد، مسلمانان و یهود پیمان بسته بودند که هیچ گونه تعرّضی نسبت به یکدیگر نداشته باشند.

۲ - عصماء دختر مروان؛

برخی از مورخین می گویند: چون «ابو عفک» کشـته شد، «عصـماء دختر مروان» از این امر ناراحت شد و شروع به عیب گویی بر علیه اسـلام و مسلمین کرد و انصار را به جهت پیروی از رسول خداصلی الله علیه وآله توبیخ نمود و رسول خداصلی الله علیه وآله را با شعر هجو و مسخره کرده و مردم را بر ضدّ آن حضرت تحریک نمود، و این کار تا بعد از جنگ بدر ادامه داشت.

«عمیر بن عـوف» که چشـمانش کم دیـد بود، او را بـا جست و جو توسـط دوسـتانش پیـدا کرد و بعـد از جـدا کردن بچه شـیر خوارش که مشغول خوردن

۱- ۱۷. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۰۸؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.

شیر از پستان او بود، با فرو بردن شمشیر در سینه اش او را به قتل رسانید ... (1)

این قصه از جهاتی قابل تردید و مناقشه است:

اوّلاً: این عمل از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله و به امر او نبوده است.

ثانیاً: عمیر بن عوف که چشمانش کم دید بوده، چگونه دست به این عمل ظریف و دقیق آن هم در شب تاریک زده، به طوری که اصلاً عصماء نفهمیده است.

ثالثاً: غالب مورخان این قصه را نقل نکرده اند.

۳ - کعب الأشرف؛

ابن اسحاق می نویسند: خبر شکست مشرکان در بدر و کشته شدن تعدادی از آنان و گریه مردم بر کشته شدگان خود، بر «کعب الأشرف» گران تمام شد، لذا شروع به مسخره کردن پیامبرصلی الله علیه وآله و اصحاب او به شعر نمود. او زنان مسلمان و حتی همسران پیامبرصلی الله علیه وآله را با شعر هجو و توهین می کرد و آنان را از این طریق اذیت و آزار می نمود.(2)

سپس به سوی مکه رفت و مردم آنجا را بر ضدّ رسول خداصلی الله علیه وآله تحریک نمود و از آنجا خارج نشد تا این که آنان را بر جنگ با رسول خداصلی الله علیه وآله متفق

۱- ۱۸. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۴۰۶ - ۴۰۷؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲- ۱۹. سیره ابن اسحاق، ص ۳۱۷؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۶؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۸ و ...

القول کرد و حتی در جواب ابوسفیان که از او پرسیده بود: دین ما بهتر است یا دین محمّد و اصحاب او؟ او دین مشرکان را ترجیح داد.(۱)

چون کعب الأشرف به مدینه بازگشت، رسول خداصلی الله علیه وآله سخنی فرمود که برخی از صحابه؛ همچون محمّد بن مسلمه لزوم کشتن او را فهمیدند، لذا او با ابو نائله که برادر رضاعی کعب الأشرف بود، با طراحی خاصی کعب را به قتل رساندند.

در توجیه این قتل می گوییم:

اوّلاً: قتل او ترور به حساب نمی آید؛ زیرا پیامبرصلی الله علیه وآله آن را به طور علنی اعلام کرده بود، درحالی که در ترور عنصر پنهان کاری نهفته است.

ثانیاً: همان گونه که اشاره شد، کعب دائماً درصدد توطئه بر ضدّ اسلام و مسلمین و پیامبرصلی الله علیه وآله بود و در حقیقت در حال جنگ با مسلمانان بود.

۴ - ابو رافع؛

در سال سوم یا چهارم و بنابر نقلی، بعد از واقعه احد ابو رافع بن حقیق که از یهود بود، در خیبر شبانه به توسط پنج یا هشت نفر که در میان آن ها عبداللّه بن عتیک بود، به قتل می رسد. و جهت کشتن او به توسط مسلمانان این بود که او همکار کعب بن الأشرف در دشمنی با رسول خداصلی الله علیه وآله و اذیت و آزار او بود، لذا مسلمانان مصلحت دیدند که او را از پای درآوردند؛ زیرا او و کعب الأشرف و امثال آن دو از اظهر مصادیق محاربین

۱- ۲۰. البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۶.

و نقض کنندگان عهد و پیمان به حساب می آمدند شاهد این مطلب این که:

اوّلاً: همسر کعب الأشرف او را از این گونه اعمال برحذر می داشت و به او می گفت: تو با این کارت جنگ طلب هستی.

ثانیاً: به همین جهت بود که یهود لازم دیدند تا بار دیگر عهد و پیمانی را که نقض کرده بودند، تجدید کرده و بار دیگر نزد امام علی بن ابی طالب علیه السلام پیمان جدیدی امضا کنند.(۱)

ص:۳۱

۱- ۲۱. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۳؛ المغازی، واقدی، ج ۱، ص ۱۹۲ و ...

اسلام و خشونت

برخی از روشن فکر نماهای غرب زده با مشاهده بخشی از احکام جزایی و قوانین کیفری اسلام، از آنجا که به فلسفه و حکمت آن پی نبرده اند، درصدد حمله به آن ها و به استهزا و مسخره کردن این احکام برآمده و معتقدند که این گونه احکام دارای خشونت بوده و با حقوق مسلّم بشر سازگاری ندارد. اینک جا دارد مفهوم خشونت را بررسی کرده و احکامی که مصداق آن دانسته اند را نیز مورد بحث قرار دهیم. و بررسی کنیم که آیا خشونت در اصل خوب است یا بد.

مفهوم خشونت

خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند

ص:۳۳

ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی نیز شامل توهین و تهدیـد می شود. بعلاوه اقـدامات قانونی و غیرقانونی که دارای ایـن خصوصـیات اسـت از آن جهت که اقـدام علیه افراد بـوده و در آنـان ایجـاد ترس می نمایـد می تواننـد از مصـادیق لغـوی خشونت باشند.

البته در لغت معنای متعـددی برای این لفظ شده است. خشونت کردن به معنای درشتی، تندی کردن، ضدّ لینت و نرمی، خشم، غضب و ... که از خفیف ترین مصادیق خشونت به معنای رایج امروزی است.(۱)

انواع خشونت

انواع خشونت

خشونت انواع و اقسـامی دارد که برخی از آن هـا صـحیح و معقول بوده و برخی دیگر نیز ناصـحیح است. اینک به انواع آن با تحلیل هر یک اشاره می کنیم:

۱ – مجازات و کیفر

۱ – مجازات و کیفر

مجازات، آزاری است که قاضـی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه برای شخص که مقصّر است بر طبق قانون تعیین می کند. آزار را که صدمه به حقی از حقوق مجرم می آورد نباید هدف مجازات تلقی کرد. هدف مجازات، اصلاح مجرم و دفاع از عدالت است. آزار، وسیله نیل به این هدف عالی است. مجازات را قاضی در حدودی که

۱- ۲۲. لغت نامه دهخدا، ص ۵۹۳، حرف خ.

قانون مطرح و معلوم نموده تعیین می کند. مجازات ضامن اجرای قواعد مربوط به نظم عمومی است ... (۱)

به تعبیر دیگر: مجازات، واکنش جامعه در قبال پدیـده مجرمانه است، و از دیدگاه حقوق جزا عبارت است از تحمیل و واکنش اجتماعی به صورت رنج و تعب بر بزهکار.(۲)

تصور مجـازات بـدون ایجاد هیـچ محـدودیت و مزاحمتی برای مجرم، با مفهوم و فلسـفه مجازات سازگاری نـدارد. لیکن نوع، میزان و کیفیت مجازات باید طوری باشد که اصلاح مجرم و پیشگیری عام و خاص را در حدّ امکان موجب شود.

در اسلام هدف از اعمال مجازات، اصلاح فرد و جامعه بوده و هیچ گاه هدف نبوده است.

ضرورت وجود مجازات در جامعه

قانون گـذار دینی به منزله طبیب حاذقی است که هـدف او معالجه امراض مردم است. هر گاه عضوی از اعضای بـدن انسان به مرضـی مبتلا شود آن طبیب در مقام معالجه برمی آید. و اگر قابل معالجه نباشد در صورتی که به اعضای دیگر سرایت نکند و لطمه ای به دیگر جای بدن نزند آن را به حال خود می گذارد؛ مانند فلج شدن، ناشنوایی، نابینایی و ... و اگر به

۱- ۲۳. حقوق جزای عمومی، دکتر باهری، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲- ۲۴. زمینه حقوق جزای عمومی، دکتر نوربها، ص ۲۵۶.

سایر اعضای دیگر بدن سرایت کند و موجب هلاکت آن شود ناچار باید آن را قطع کند؛ زیرا فاسد شدن تمام بدن سخت تر و بدتر از قطع شدن عضوی از آن است.

اسلام نیز که برای معالجه و شفای کلیّه امراض روحی همچون: شرك، کفر، ضلالت، اخلاق رذیله و اعمال سیّئه در مقام راهنمایی و هدایت جمیع مردم برمی آید؛ چنان که در جمله «هُدیً لِلنّاسِ» آمده است، و اگر قابل هدایت و معالجه نیستند و در مقام اضرار و افساد و اضلال دیگران نیز نمی باشند با آنان از طریق صلح و مسالمت رفتار می کند، وگرنه چاره ای جز قتل و قمع آنان نیست. و از این جهت دین اسلام در بسیاری از معاصی و ترك واجبات، حدّ و تازیانه ای قرار داده تا شخص معصیت کار را از نافرمانی برهاند و از فساد دور سازد و راه توبه را باز نموده و به حکم عقل واجب فرموده تا به خدا بازگردند. و اگر بعد از سه مرتبه معالجه نشدند و بازگشت ننمودند، حکم قتل را صادر می کند. بلکه در مواردی همان حدّ اول را قتل و رجم و اعدام قرار داده است. همه این احکام به این جهت است که فساد به دیگران سرایت نکند و جامعه به فساد و تباهی کشیده نشود.

مشاهده می کنیم امروز که حدود الهی در ممالك اسلامی جاری نمی شود چه مقدار فساد شایع شده و به همه طبقات سرایت کرده است.

تبعیت احکام از مصالح

شارع مقدس هیچ حکمی را بدون دلیل و مصلحت مطرح نکرده است.

بایـد عواطف و احساسات در شـناخت این مصالح سایه نیفکند و نباید اهداف مهم و طولانی مدت را فدای یکسـری مصـلحت سنجی هـای موقتی کرد. و لـذا در آیات قرآن خصوصاً در زمینه احکام جزایی، سـخن با «اولی الالباب»؛ صاحبان خرد است نه عواطف و احساسات.

تفسـیر و تبیین هر فلسفه ای باید بر اساس مصالح فردی و اجتماعی؛ اعم از دنیوی و اخروی صورت پذیرد، امری که فقط شارع می توانـد به آن جـامه عمـل بپوشانـد. این احکـام در یـک نگاه می تواننـد خشن باشـند، ولی در نگاه دیگر عین رحمت الهی هستند. همانند پدری که بر فرزند خویش خشم می کند چون او را دوست دارد و به آینده او علاقه مند است. اگر خلافی کند ناراحت می شود و گاهی نیز رفتار تنـد از او سـر می زنـد. و حال آن که چه بسا رفتاری ناهنجار تر از دیگران ببینـد و آن قـدر ناراحت نشود. این نحوه برخورد ناشـی از علاقه به فرزنـد و عـدم توجه به دیگران است. آنچه بایـد مـدّ نظر باشد این است که علاقه باید به صورت حقیقی باشد نه کاذب و سـطحی؛ یعنی احساسی که عقل بر آن حکومت کند. و لذا قرآن کریم در مورد اجرای حدود الهی بر زن و مرد زناکار تصریح می کند که «لا تَأْخُذْکُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِی دِینِ اللَّهِ»؛(۱) «نباید در اجرای دین خدا بر این دو [زن و مرد زناکـار] شـما را ترحّمی بگیرد.» چون جـای ترحّم نیست. حـال آنجـا که این جرم در خلوت صورت گیرد و بازتاب اجتماعی نداشته باشد، اسلام موضوع

ص:۳۷

۱- ۲۵. سوره نور، آیه ۲.

را به قیامت واگذار کرده است. ولی آنجا که بازتاب اجتماعی داشته باشد، حدود و تعزیرات را بر اساس یک سری اهداف و با رعایت شرایطی وضع کرده است؛ زیرا در اثر گناه یک فرد و اشاعه آن در جامعه، اجتماع یک قدم به پرتگاه نزدیک تر می شود. همانند ویروسی که یک فرد می سازد و در شبکه های کامپیوتری رها می کند و موجب خسارت های بسیاری می شود.

در اینجا قانون گذار باید وارد عمل شود و مجازات های مناسب با آن جرم را اعمال نماید که کوتاهی و تسامح در این موارد، ضربه های جبران ناپذیری را بر پیکره اجتماع وارد می کند.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که:

اولاً: هر مجازات جایگزین دیگری هم می تواند مورد سؤال واقع شود و معلوم نیست تبعات آن ها کمتر از آنچه فعلاً وجود دارد باشد. زندان و یا جریمه که به عنوان مجازات جایگزین مطرح شده، می توانند عوارض بدتری برای جامعه فراهم کنند، ضمن آن که راه برای چنین تعزیراتی از سوی حکومت اسلامی باز است.

ثانیاً: احکام جزایی، صرفاً منشأ قراردادی ندارد بلکه ناشی از مصالح واقعیه است و تبدیل دل بخواهی آن ها با این ایده تطابق دارد که صرفاً آن ها را قراردادی بدانیم.

ثالثاً: این احکام به عناوین اولیه وضع شده اند و آنجا که مصلحت چیز دیگری را اقتضا کند تغییراتی ایجاد خواهد شد.

رابعاً: در این مجازات ها اثرات بسیار چشم گیری است که در هیچ نوع دیگری از آن ها یافت نمی شود. اگر مجازات های دزدی آن هم با شرطهای نادری که در فقه آمده است در جای خودش اجرا گردد و دزد مطمئن شود که در صورت ارتکاب به این عمل، انگشتان او برای همیشه قطع می گردد و در جامعه نیز انگشت نما خواهد شد، هرگز به سراغ این عمل ناپسند نخواهد رفت.

مجازات و کرامت انسان

برخی می گویند: مجازات، خشونتی است که با کرامت انسان مغایر است!

ولی در جواب آن ها می گوییم: هر انسانی از کرامت ذاتی برخوردار است و خود مسؤول حفظ کرامت خود است. و لذا نباید به حقوق دیگران تجاوز کند. حال اگر به وظیفه خود عمل نکرد و همانند حیوان، حقوق دیگران را پایمال نمود، آیا مجازات او با کرامت انسانی تنافی دارد؟ او خود کرامت خویش را حفظ نکرده و این مجازات نیز نتیجه عملی است که دو اثر داشته است: یکی تجاوز به حقوق دیگران، و دیگری از بین بردن کرامت خویش.

در قرآن کریم مَثَل این افراد را همانند حیوانی قرار داده که تنها با محدود کردن آن ها می توان از اجحاف هایشان در امان ماند، و اصولاً شلاق و سایر مجازات ها نیز برای همین افراد وضع شده است.(1)

ص:۳۹

۱- ۲۶. سوره اعراف، آیه ۱۷۶.

عبدالقادر عوده می گوید: «مجازات تازیانه در مورد کسی که خود حرمت انسانی خویش را رعایت نکرده است، موجب کسر شرافت او نمی گردد».(۱)

۲ – خشونت در کشف جرم (شکنجه)

اگرچه حتمیّت در کشف و تعقیب جرایم تـأثیر بسـزایی در کـاهش جرم دارد، اما نمی توان خشونت در این مرحله را مجازات شمرد. دسـتگاه های تعقیب کننـده با مجهّز شدن به دانش های روز و نیروهای کارآزموده و با ضـریب هوشـی بالا باید طوری عمل کنند که از حیله ها و راه های فرار مجرمین از چنگال عدالت عقب نمانند.

در مقرّرات اسـلامی، همواره بر ممنوعیت شـکنجه و باطـل بودن اقراری که از این طریق حاصل شود، تأکیـد شـده است. اصـل «برائت» در حقوق جزایی اسـلامی و معین بودن ادله اثبات دعوی در سیسـتم حقوقی اسلام، حاکی از اهمیت این امر از دیدگاه اسلام است. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی در تأکید بر ممنوعیت این نوع خشونت می گوید: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یـا کسب اطّلاع، ممنوع است. اجبار شـخص به شـهادت، اقرار یا سوگنـد، مجاز نیست و چنین شـهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلّف از این اصل طبق قانون، مجازات می شود».

بنابراین، سیاست کیفری اسلام، توسل به اقدام خشونت بار در مرحله

۱– ۲۷. التشریع الجنائی الاسلامی، عبدالقادر عوده، ج ۱، ص ۶۴۰.

تعقیب و کشف جرایم را ممنوع کرده و فرار مجرم از مجازات را بر مجازات و شکنجه بی گناهان ترجیح داده است.

۳ – جرایم اجتماعی

جرم، یکی از مصادیق بارز خشونت در جامعه است. بروز بزهکاری، امنیت و آسایش را از جامعه سلب نموده و در مردم ایجاد هراس می کند. امّا این که چه واکنشی در برابر جرم باید داشت؟ دیدگاه های مختلفی است، آیا از بین بردن علل و عوامل جرم زا کافی است؟ آیا عوامل جرم زا قابل شناسایی و محصورند تا با از بین بردن آن ها بزهکاری ریشه کن شده و نیازی به اقدامات کیفری نباشد؟ آیا از بین بردن زمینه های ارتکاب بزه، ما را از واکنش همراه با خشونت مستغنی می کند؟

در برخورد با جرایم افراد و واکنش مناسب با خشونت و بزهکاری، «مصلحت» نیز می بایست مدّ نظر باشد. جامعه نباید مصالح اجتماعی را فدای مصالح فردی کند. اگر مسیر جامعه به سمت سعادت و کمال باشد و مصالح جامعه مدّ نظر قرار گیرد، قطعاً مصلحت جامعه، همان جامع مصلحت افراد است. و لذا سلب برخی آزادی های فردی و ایجاد برخی محدودیت ها برای افراد در جهت حفظ سلامت جامعه ای که متعلق به افراد است، اجتناب ناپذیر می باشد.

۴ – انحرافات اجتماعی

بسیاری از اعمال ممکن است تحت عنوان «خشونت» قرار گیرد و لذا

واکنش علیه آن ها ضروری است؛ زیرا ایجاد ناامنی و وحشت در جامعه می کنند که منشأ بروز جرایم شدیدتری است. برای مثال نوشیدن مشروبات الکلی منشأ بروز بسیاری از قتلها و ضرب و جرح ها است.

در بررسی ۶۰ زن قربانی ضرب و شتم، ثابت شده که استعمال الکل در ۹۳ درصد این وقایع نقش بسزایی داشته است. در بررسی دیگری الکلیسم به عنوان حلقه زنجیره خشونت در ۴۰ درصد موارد در نظر گرفته شده است.

بنابراین استعمال مشروبات الکلی و تظاهر مستانه، موجب ایجاد ترس و خوف گردیده، بعلاوه عامل مهم در ازدیاد خشونت است.

رباخواری، قمار و بسیاری از اعمال انحرافی جنسی و اعمال منافی عفت، معضلاتی هستند که جامعه را تباه کرده و منشأ بسیاری از خشونت ها و انحرافات دیگر می باشند.

در مقررات اسلامی این گونه اعمال مورد مذمت قرار گرفته و با آن ها شدیداً برخورد شده است.

مبارزه ریشه ای با جرم و انحراف

مبارزه ریشه ای با جرم و انحراف

اسلام راه های معقولی را برای ریشه کن کردن خشونت از افراد و اجتماع ذکر کرده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ – تجدید هویّت دینی

اسلام، آیینی است که به رفع نیازمندی های واقعی و فطری انسان

ص:۴۲

می پردازد، و رفع این نیازمندی ها که برنامه های تربیتی عالی را برای مؤمنین در بر دارد، عاملی قوی در جلوگیری از بزهکاری و جرم و انحراف است. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «لا یزنی الزانی اذا یزنی و هو مؤمن، و لا یسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن. و لا یشرب الخمر حین یشربها و هو مؤمن»؛(۱) «زانی هنگامی که زنا می کند مؤمن نیست. و دزد هنگامی که دزدی می کند مؤمن نیست. و شارب خمر هنگامی که شرب خمر می کند مؤمن نیست.»

انسان اهل معنویت و تدیّن، همیشه خود را در محضر خدا می بیند و وظایف خود را بدون لزوم نظارت کسی انجام می دهد. و اعتقاد به معاد و حساب و کتاب و حضور در پیشگاه خدا، مانعی عظیم برای جلوگیری از انحرافات او است.

۲ – اصلاح محیط

نقش محیط در اصلاح انسان یا انحراف او بسیار قابل ملاحظه است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «مصاحبه الصالحین داعیه الی الاصلاح»؛(۲) «همنشینی با صالحان انسان را به اصلاح نفس خود دعوت می کند.»

و نیز از حضرت نقل شده که فرمود: «الناس بأمرائهم اشبه منهم بآبائهم»؛(۳) «مردم به امیران خود شبیه ترند تا به پدران خود.»

ص:۴۳

۱– ۲۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴؛ المحلّی، ابن حزم، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

۲– ۲۹. کافی، ج ۱، ص ۲۰.

۳– ۳۰. تحف العقول، ص ۲۰۸.

۳ – رفع فاصله طبقاتی

فقر و غنـای بیش از حـد، هر دو از عوامـل جرم به شـمار می آینـد؛ زیرا فاصـله طبقـاتی باعث می شود که اهل زور و زر برای حفـظ موقعیت خود دست به ارتکاب جرایمی بزننـد و در مقابل، فقر نیز باعث می شود عـده ای انتقام جویانه مرتکب خشونت هایی شوند.

حضـرت علی علیه السـلام در سفارشـی به مالـک اشتر می فرمایـد: «ثمّ أسـبغ علیهم الأرزاق، فانّ ذلک قوّه لهم علی استصـلاح انفسـهم و غنیً لهم عن تنـاول ما تحت ایـدیهم و حجه علیهم ان خالفوا امرک»؛(۱) «به کـارگزارانت حقوق مکفی برسان تا به آنـان در اصـلاح نفس خود کمـک کنـد و از دست درازی به اموال مردم که در اختیارشان هست بی نیاز سازد. این امر، اتمام حجتی بر آنان است در صورتی که با امر تو مخالفت کردند.»

۴ – تحکیم نظام خانواده

یکی دیگر از عوامـل بروز و ظهـور جرم و خشـونت «بحران در نظـام خـانواده» است. و لـذا ثبـات و پایـداری خـانواده و تربیت فرزندانی که آینده ساز یک جامعه سالم باشند تأثیر بسزایی در کاهش جرم و خشونت دارد.

قرآن در این زمینه می فرمایـد: «یـا أَیُّهَـا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَـكُمْ وَأَهْلِیكُمْ ناراً»؛(۲) «ای اهـل ایمـان! خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید.»

ص:۴۴

۱- ۳۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- ۳۲. سوره تحریم، آیه ۶.

خداوند متعال در این آیه نتیجه را از انسان خواسته که همان نجات خود و خانواده از آتش دوزخ است، حال به هر وسیله که ممکن و مشروع باشد، باید انسان از انحرافات و کژی ها نجات یابد.

۵ – پیشگیری وضعی

روش دیگری که برای جلوگیری از بروز خشونت و ظلم و جرم مطرح شده پیشگیری وضعی است. به این که قانونی وضع شود که بتواند از این که فکر مجرمانه به منصّه ظهور و فعلیّت برسد، جلوگیری کند.

از جمله مواردی که در قرآن کریم به آن اشاره کرده، توصیه به طلبکاران، مبنی بر گرفتن سند یا گواه هنگام پرداخت وجه یا مال به دیگران است. خداوند متعال می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا تَدایَنْتُمْ بِدَیْنٍ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی فَاکْتُبُوهُ ... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِیدَیْنِ مِنْ رِجالِکُمْ ... »؛(۱) «ای اهل ایمان! هنگامی که مالی را تا زمان معینی قرض می دهید بنویسید ... و دو نفر شاهد مرد [بر آن بگیرید ... ».

این تدابیر همگی برای جلوگیری از ظهور و بروز جرم است.

۶ – پیش بینی مجازات

یکی دیگر از راه های جلوگیری از وقوع جرم در جامعه، پیش بینی و قرار دادن مجازات های مختلف برای اعمال ناشایست است تا بتواند انسان را ترسانده و از وقوع جرم جلوگیری کند. گرچه این قوانین به حدّی نیست که بتواند اختیار انسان را سلب نماید.

۱- ۳۳.]. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

نمودهای رحمت الهی در مجازات ها

نمودهای رحمت الهی در مجازات ها

با مراجعه به موارد مجازات های اسلامی مشاهده می کنیم که اسلام در عین آن که مجازات های سختی را به جهت اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از وقوع جرم قرار داده، ولی در عین حال نمونه هایی از رحمت الهی را نیز در آن ملاحظه کرده است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ – قاعده «دفع حدود به شبهه»

از جمله قواعدی که بیانگر روح رحمت الهی و گذشت نسبت به افراد خاطی در این دنیا می باشد، قاعده «دفع حدود به خاطر شبهه» است. قاضی در صورتی می تواند حدود را جاری سازد که هیچ نوع احتمال دیگری در بین نباشد. بنابراین هر گاه متّهم ادعای جهل، فراموشی، و ... بکند، چنانچه از نظر عقلا و عرف جامعه اسلامی این ادعا موجّه باشد، حکم الهی درباره او جاری نخواهد شد. این قاعده که کاربرد فقهی وسیعی در زمینه مجازات ها دارد نشانگر لطف الهی نیز هست.

۲ – احراز شرایط حدود

اجرای حدود الهی منوط به تحقق شرایط آن است؛ به عنوان مثال: خداوند متعال برای اجرای حدّ سرقت بیش از بیست شرط قرار داده است. مثلاً سارق نباید از روی اضطرار و یا در سال قحطی دست به این اقدام زده باشد و ... فقدان هر یک از شروط مانع از اجرای حدّ سرقت است.

ص:۴۶

۳ – پذیرش توبه

نقش داشتن توبه در سقوط حدود، شاهد دیگری از رحمت بی پایان الهی است. توبه به عنوان عملی که در ضمیر شخص می تواند تحقق یابد و یکسری نمودهای بیرونی داشته باشد، بهترین وسیله برای سقوط مجازات های الهی است.

خشونت ها و مدارات های نیک

خشونت ها و مدارات های نیک

کلمه «خشونت» و «مدارات» از امور نسبی هستند و لذا نمی توان آن ها را فی نفسه خوب دانست. متغیّر ها و عواملی چون معنا، فاعل، متعلق، انگیزه، هدف، میزان، وسیله، ظرف و شرایط، قطعاً در تعیین حسن و قبح خشونت و مدارات دخیل است، و بدون توجه به این عناصر هشت گانه، خشونت و مدارات نه تحقق پذیرند و نه تحلیل بردار. لذا هر کس بپرسد: خشونت و مدارات قبیحند یا حسن، زشتند یا زیبا؟ باید از او بپرسیم: کدامین خشونت و مدارات.

الف) خشونت های نیک

خشونت های حسن و نیک را می توان در مواردی خلاصه کرد:

۱ – خشونت به معنای قاطعیت و سرسختی در اجرای قانون و سختگیری در تحقق عدالت و صلابت در دفاع از حق، که امام علی علیه السلام مصداق بارز آن بود.

ص:۴۷

۲ – خشونت قـانونی و سـختگیری طبق قـانون؛ زیرا اگر چنین نباشـد نظم در جـامعه پدیـد نمی آیـد و در نتیجه حقوق آحاد و جوامع انسانی تضـییع خواهـد شد. و لذا قرآن کریم می فرمایـد: «وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ»؛(۱) «و هر کس از حدود الهی تجاوز کند از ستمکاران خواهد بود.»

۳ – خشونت از سوی مقام مسؤول؛ زیرا دخالت نابجا و بی جواز از عناصر غیر مسؤول در ایجاد خشونت، نظم و امنیت عمومی را به مخاطره می اندازد.

۴ – خشونت رحمانی؛ زیرا خشونت از سوی خالق رحمان و مربی غمگسار، از آن جهت که به انگیزه تربیت و با هدف تکامل بخشی و طبعاً از سر مهر است، کاری ارزشی است.

۵ – خشـونت در قبـال دشـمنان و حق سـتیزان و تعـدّی گران به حقوق مردم، آن گونه که قرآن می فرمایـد: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ»؛(۲) «محمّد فرسـتاده خداست، و کسانی که با او همراهند با کفر پیشـگان سـخت گیر و سرسختند و در میان خویش بسی نرم دل و مهربان اند.»

۶ – خشونت در برابر زورگویـان و سـتم کیشـان، آن گونه که امـام علی علیه السـلام خطاب به امام حسن و امام حسـین علیهما السلام فرمود: «کونا للظالم خصماً

ص:۴۸

۱– ۳۴. سوره بقره، آیه ۲۲۹.

۲– ۳۵. سوره فتح، آیه ۲۹.

و للمظلوم عوناً»؛(۱) «خصم ستم کیش و یار ستم کش باشید.»

۷ - خشونت بازدارنده از نظر شرع ضرورت دارد، قرآن در این باره می فرماید: «فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتِی تَبْغِی حَتّى تَفِیءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ»؛(۲) «پس اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد.»

۸ - خشونت علیه خائنان و فتنه گران. خوارج، چهره در چهره امام علی علیه السلام می ایستادند و در حالی که هزاران مؤمن به حضرت اقتدا کرده بودند بر ضدّ او شعار می دادند. حضرت در ابتدا اجازه نمی داد کسی متعرّض آن ها شود، اما وقتی کار آن ها به خشونت و خیانت رسید و دست به شمشیر بردند و به اقدام عملی بر ضدّ امام علی علیه السلام انجامید و جنگ نهروان برپا شد، حضرت با آنان شدیداً برخورد کرد. و تنها جایی که پس از غلبه بر دشمن آشکارا حضرت بدان مباهات کرد اینجا بود، که فرمود: «ایّها الناس! فانّی فقأت عین الفتنه ... »؛(۳) «ای مردم! من چشم فتنه را از حدقه بیرون آوردم.»

۹ - خشونت با رهبران کفر و ظلم به جهت ریشه کن کردن ظلم و ظلمت، آن گونه که خداوند می فرماید: «فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْکُفْرِ إِنَّهُمْ لا أَیْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَنْتَهُونَ»؛(۴) «با پیشوایان کفر پیکار کنید، چرا که آن ها پیمانی ندارند، شاید[با شدت عمل] دست بردارند.»

۱- ۳۶. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲- ۳۷. سوره حجرات، آیه ۹.

۳- ۳۸. نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

۴- ۳۹. سوره توبه، آیه ۱۲.

۱۰ – خشونت برای اهداف برین انسانی و احقاق حق و استقرار عدالت، و لذا خداوند متعال می فرماید: «وَما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ وَالْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها ... »؛(۱) «چرا در راه خدا، و[در راه]مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران]تضعیف شده اند پیکار نمی کنید؟! همان افراد [ستمدیده ای] که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهر [مکه]که اهلش ستمگرند، بیرون ببر.»

۱۱ – خشونت و قاطعیّت و سرسختی و سازش ناپذیری در دفاع از دین، آن گونه که خداوند متعال می فرماید: «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ جاهِدِ الْکُفّارَ وَالْمُنافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیْهِمْ ... »؛(۲) «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آن ها سخت بگیر!»

۱۲ – خشونت در دفاع از منافع ملّی و حراست از مصالح بشریت، و لذا خداوند متعال می فرماید: «وَقاتِلُوهُمْ حَتّی لا تَکُونَ فِتْنَهٌ ... »؛(۳) «و با آن ها پیکار کنید، تا فتنه [و بت پرستی، و سلب آزادی مردم] باقی نماند ... ».

۱۳ – خشونت در برابر خشونت، آنجا که قرآن کریم می فرماید: «فَمَنِ اعْتَدی عَلَیْکُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدی عَلَیْکُمْ»؛(۴) «و [به طور کلّی]هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن با او مقابله کنید.»

۱- ۴۰. سوره نساء، آیه ۷۵.

۲- ۴۱. سوره های توبه، آیه ۷۳؛ تحریم، آیه ۹.

۳- ۴۲. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

۴- ۴۳. سوره بقره، آیه ۱۹۴.

زیرا گاهی خشونت را جز به خشونت نمی توان برانداخت. از حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه روایت شده که فرمود: «رُدّوا الحَجَر من حیث جاء فانّ الشرّ لایدفعه الاّ الشرّ»؛(1) «سنگ را به همان سمت که دشمن پرتاب کرده برگردانید که شر جز به شر زدوده نمی شود.»

۱۴ - خشونت به عنوان واپسین چاره در برابر قضایا و بلایا، همان گونه که رفتار پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام این چنین بوده که صبر کرده و سماحت می ورزیدند و تا ناچار نمی شدند خشم نمی گرفتند و خشونت نمی کردند.

ب) مدارات های نیک

اگر پرسیده شده در چشم انداز اسلام کدامین مدارات نیک است می گوییم:

۱ - مدارات و تسامح به معنای تحمیل عقاید رقیب، در عین باورمند ی و پایبندی به حقانیّت اعتقادات خود. و به تعبیری: سعه صدر علمی و گشودن فضای تعامل و تعاطی افکار و انظار. خداوند متعال در این باره می فرماید: «وَلا تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَیَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَیْرِ عِلْمٍ»؛(2) «[به معبود] کسانی که غیر از خدا را می خوانند، دشنام ندهید، مبادا آن ها [نیز]از روی [ظلم و جهل، خدا را دشنام بدهند.»

۱- ۴۴. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۱۴.

۲- ۴۵.]. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

و نیز می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبادِ * الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛(۱) «پس بندگان مرا بشارت ده. همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند.»

اگر طرح و تبیین منطقی و علمی آرا و افکار، مجاز نباشد نوبت به گزینش نمی رسد، لذا خداوند در پایان آیه این دسته را از خردمندان نامیده است.

۲ – مدارات و مماشات، برای تدبیر مناسبات اجتماعی توسط زمامداران؛ زیرا با تحکّم و تک صدایی کار جامعه به سامان نمی رسد.

۳ – مدارا برای شنیدن حق. قرآن می فرماید: اگر در گرما گرم جنگ، یک نفر مشرک امان خواست باید به او پناه دهی تا در امنیت و آرامش کامل بیاید و کلام خدا را بشنود، اگر خواست بپذیرد و مسلمان شود، امّا اگر نپذیرفت با تأمین جانی او را به جبهه کفّار برسان.

خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ اسْتَجارَکَ فَأَجِرْهُ حَتّی یَسْمَعَ کَلامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْلَمُونَ»؛(۲) «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود [و در آن بیندیشد] سپس او را به محلّ امنش برسان چرا که آن ها گروهی نا آگاهند.»

قانونی مترقی تر از این در هیچ مکتب و ملّتی در زمینه قوانین جنگی و آزادی اندیشه وجود ندارد.

۱– ۴۶. سوره زمر، آیه ۱۸.

۲– ۴۷. سوره توبه، آیه ۶.

۴ – مدارا و مسامحه به عنوان استراتژی دائم و استثنا پذیر، نه این که تنها در مواقعی که به نفع ما باشد.

۵ – مدارات و مماشات در چارچوب شرع و در سایه اخلاق و قانون، که می تواند به تحکیم شریعت و بالا بردن سطح فرهنگی جامعه و محکم کردن پایه های قانون گذاری و توسعه قانون گرایی کمک می کند.

۶ – مدارا و مسامحه در برابر دوستان، آنجا که می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَى الْكُفّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ»؛(۱) «محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.»

۷ – مدارات با خطاکاران، آنجا که می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ»؛(۲) «[به هر حال] با آن ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی برگردان [و با آنان ستیز مکن].»

و نیز می فرماید: «فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَما جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلاً»؛(۳) «پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار ننمودند [بلکه]پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرّض آن ها شوید.»

۱– ۴۸. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲– ۴۹. سوره اعراف، آیه ۱۹۹.

۳– ۵۰. سوره نساء، آیه ۹۰.

قتل فرزند توسط پدر

قتل فرزند توسط پدر

در فقه اسلامی آمده است که اگر پدری فرزند خود را بکشد قصاص نخواهد شد. اشکال شده که این حکم به منزله اجازه قانونی برای اعمال خشونت در قبال کودکان است.

درباره این اشکال می گوییم:

آری، اصل این حکم صحیح است. محقّق در «شرایع الاسلام» می فرماید: «سومین شرط (از شرایط قصاص) این است که قاتل، پدر نباشد و در این صورت، پدر کشته نخواهد شد و باید کفّاره و دیه بپردازد و حاکم او را تعزیر می نماید. و هیچ کس با این حکم مخالفت نکرده است».(۱)

مرحوم صاحب جواهر در توضیح سخن مرحوم محقق ابتدا به احادیثی چند از امامان معصوم علیهم السلام تمسّک کرده و در ادامه می فرماید: «علاوه بر احادیثی که ذکر شد که از آن ها یقین به حکم حاصل می شود ... البته کفاره ای که باید بپردازد کفاره جمع است».(۲)

بر همین اساس، در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «پدر یا جدّ پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه به ورثه مقتول و نیز به تعزیر محکوم خواهد شد».

در توجیه این حکم به نکاتی چند اشاره می کنیم:

۱- ۵۱. جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۶۹.

۲- ۵۲. همان.

۱ – مجازات، عامل بازدارنده

یکی از ویژگی های مجازات خوب این است که در حدّ ممکن بازدارنـده باشـد. از این رو مجازات مؤثّری که برای قتل عمد می توان در نظر گرفت همان قصاص است که بهترین عامل بازدارنده قتل عمد در جامعه است.

ولی درباره بازداشـتن پدر نسبت به قتل فرزند باید گفت: پدر بیشترین علاقه و دلبستگی، مهر و عطوفت را به فرزند خود دارد، و این امر بهترین عامل بازدارنـده از کشـتن فرزند است، و نیازی نیست که برای او مجازات های سـنگین وضع گردد تا موجب عبرت پـدران دیگر گردد؛ زیرا علاقه و محبت پـدر به فرزنـد خود عامل بسـیار قوی و نیرومندی برای کاهش آمار این جنایات هولناك در جامعه است. لذا آمار قتل فرزند نسبت به کلّ قتل هایی که در جامعه اتفاق می افتد بسیار اندك و ناچیز است.

۲ – جبران کنندگی بدون مجازات

یکی دیگر از ویژگی هـای یـک مجـازات خوب این است که تـا حـدّ ممکن، صـدمات و زیان هایی را که بر اثر آن جنایت به دیگران وارد شـده، جـبران نمایـد. از این نظر قصـاص بهترین مجـازات برای قتـل عمـد است؛ زیرا در حـدّ ممکن از فشارهـای روحی و غم و اندوه بستگان مقتول می کاهد و خاطر آنان را تسلّی می دهد.

ولی در قصـاص و کشـتن پـدری که بر اثر فوران شـعله های آتش خشم در وجودش اقـدام به کشـتن فرزنـد خود کرده نه تنها موجب تسلّی خاطر خانواده

ص:۵۵

مقتول نخواهد شد، بلکه داغ دیگری را بر مصیبت آن ها خواهد افزود. آری، حکومت اگر مصلحت بداند می تواند جدای از حقّ قصاص اولیای دم، مجازات سنگینی حتی اعدام را برای او مقرّر کند.

۳ – موقعیّت پدر

یکی از عواملی که در مسأله قتل فرزند به دست پدر مطرح است، مسأله حرمت پدر است و شاید تخفیف مجازات های او نیز به همین جهت باشد.

اسلام برای حفظ کانون گرم خانواده که رکن اساسی آن پدر است اهمیت فراوانی قائل است و لذا می توان به جهت حفظ این موقعیت بر سایر اعضای خانواده از این تشکیلات استفاده کرده و در سایه آن به زندگی گرم خود ادامه دهند، اسلام تخفیف ویژه ای برای پدر قاتل فرزند قرار داده است.

۴ – خداوند، سعادت انسان را می داند

هیچ یک از مطالبی که گفته شد نمی تواند به طور قطع و یقین علت این حکم باشد؛ زیرا بر اساس جهان بینی اسلامی، تنها خداست که می تواند همه اجزای برنامه سعادت انسان را تنظیم کند. در تشریع هر حکم و قانونی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، هزاران عامل و پارامتر دخالت دارد که احاطه کامل به همه این عوامل و محاسبه دقیق آن ها و مقایسه آن ها از حیطه قدرت و توان انسان خارج است.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۶ صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی

۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات

۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۲ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز اللّٰه حیدری

۲۶ اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۲۹ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۳۵ تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۳۷ جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۹ چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

ص:۵۸

۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۵۱ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۲ دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۵۳ رجعت احمد علی طاهری ورسی

۵۴ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۵۵ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۵۶ زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۵۷ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۵۸ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۹ سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۶۰ سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۶۱ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۶۲ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۶۳ سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

ص:۵۳

۶۴ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی

۶۵ شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح

۶۶ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّٰه هاشمی شهیدی

۶۷ عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۶۸ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۹ عطر سیب حامد حجّتی

۷۰ عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۷۵ فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی

۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۴ کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۸۷ گفتمان مهدویت آیت اللَّه صافی گلپایگانی

۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۸۹ مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۹۲ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر

۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۶ مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللَّه حیدری

۹۷ مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۹۸ مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای

۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۰۴ نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۰۹ نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۱۹ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدون کار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

ص:۶۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹